

اتکا به خداوند حامی مؤمنان و عامل تقویت کننده بنیه روحی آنان در شرایط دشوار می‌شود. پذیرش ولایت خدا مستلزم توکل و اتکا به او در هر حال و همه امور بوده و از بین برنده هر نوع سستی و تبلی در انجام وظایف دینی شده، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمن می‌شود. توکل به خدا از ویژگی‌های مؤمنان، و لازمه ایمان به قدرت مطلقه خداست، و از طرفی یوچی و ناتوانی تمام خواسته‌ها و قدرت‌ها در مقابل خواست و قدرت الهی را نشان می‌دهد، زیرا که پیروزی و شکست تنها منوط به خواست و قدرت خداوند است.^(۹)

از مجموع مطالب به دست می‌آید که توکل دارای مفهومی هماهنگ است که آن زنده کننده و به وجود آورنده روحیه شادابی در انسان است. قرآن هرگاه خواسته بشر را وادار به عمل کند و ترس‌ها و نگرانی‌ها را از او دور سازد - که از جمعیت فراوان نترسد - وظایف خود را به جا آورد و همیشه حقیقت را بگوید، توکل را مطرح می‌کند، این مفهوم عکس آن چیزی است که میان مردم مرسوم شده است که توکل را یک مفهوم مرده پنداشته، هرگاه می‌خواهند از بار وظیفه و مسئولیت شانه خالی کنند، به اتکای الهی دامن می‌زنند و خود را موکل می‌دانند.^(۱۰)

در صورتی که توکل یک امر قلبی است، انسان در عین این‌که در دل بر خداوند تکیه دارد، کارهای خود را به او وامی‌گذارد اما با نشاط به تلاش و فعالیت اقدام می‌کند، زیرا می‌داند که خداوند بر اساس حکمت خود کارها را با اسباب انجام می‌دهد و حکمت الهی ایجاب می‌کند که امور این عالم با امکانات مادی پیش برود.

پرستش خدا و سپردن امور خویش به اوست.^(۲) فرد شاداب، شکست را مقدمه پیروزی و سختی را تلاطم آسانی می‌داند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «غنا (بی‌نیازی نفس) و عزت در حرکتند، هرگاه به توکل رسیدند (آرام می‌گیرند و) آنجا را وطن خود قرار می‌دهند»^(۳)

حضرت موسی (علیه السلام) برای ایجاد نشاط در قوم بنی اسرائیل، به آنان گفت:

«ای قوم من اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید و در ایمانتان راستین هستید بر او توکل و تکیه کنید، از امواج طوفان بلا و از لشکریان فرعون نهراسید. کسی که ایمان به خدا دارد و در برابر فرمان او تسلیم است، در مشکلات و تنگناها بر خدا تکیه می‌نماید، که توکل بر خدا مایه پایداری در دشواری‌ها بوده، او را بر هر امری قادر و توانا می‌گرداند. مؤمن حقیقی کسی است که در مقام عمل تمام دستورات الهی را بی‌چون و چرا بجا آورد و امور حال و آینده را به خداوند سپرده و غیر او را تکیه گاه خود قرار ندهد.»

قوم موسی (علیه السلام) پس از توصیه او، اعلام داشتند: ما تنها بر خدا توکل کرده، جز او بر احدی تکیه نمی‌کنیم. آنان در نتیجه توکل، درخواستی از خداوند کردند که لباس ذلت و ضعف را از آن‌ها بکنند و آن‌ها را از قوم کافر و ستمگر فرعون نجات دهد.^(۴)

خداوند در آیه دیگری واگذاری کار را به خود چنین بیان می‌کند:

«و من امر و کار خود را به خدا واگذار نمودم که خدا

اشاره؛ در شماره پیش با عامل اول شادابی که اعتقاد به یگانگی خداوند و نظارت الهی بر کارها بود، آشنا شدید و اینک عامل دوم را به بررسی می‌نشینیم.

عامل دوم، توکل بر خداوند

توکل به معنای تکیه کردن و اعتماد به دیگری است^(۱) و نیز به مفهوم مسلط کردن کسی است بر کاری تا او - به جای خود شخص - کار را انجام دهد. توکل بر خدا به معنای اظهار ناتوانی خود و تکیه بر اوست، متوکل بر خدا کسی است که در عین تلاش و کوشش، کار خود را به خدا واگذار نموده و حل مشکلات خود را از او می‌خواهد و می‌داند که خداوند مسؤول روزی و کار اوست. کسی که دارای روحیه توکل است، هرگز یأس و ناامیدی را به خود راه نمی‌دهد، در برابر حوادث سخت، مقاوم است.

توکل با این محتوای عمیق، روحیه شادابی در انسان به وجود می‌آورد. روحیه‌ای که همواره توأم با تلاش و کوشش است، نه تبلی و فرار از مسؤولیت.

خداوند در چند آیه به مؤمنان دستور می‌دهد که تنها به او توکل کنند و اعتماد و اتکایی به غیر او نداشته باشند: و علی الله فلیتوکل المؤمنون (آل عمران - ۱۲۲ و ۱۶۰، مائده - ۱۱، توبه - ۵۱، ابراهیم - ۱۱) «مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند»

مؤمنان آنچنان افق فکرشان بلند است که از تکیه کردن بر مخلوقات ضعیف و ناتوان - هر قدر هم به ظاهر عظمت داشته باشند - امتناع می‌ورزند. آن‌ها هرچه از اقیانوس بی‌کران هستی می‌خواهند، از خدا درخواست می‌کنند. با اینکه از اسباب و امور عادی کمک می‌گیرند،

توکل، شادابی و نشاط

محمد رضا داودی

تجیدگیات و روایت

فصل دوم

به دیگر عبارت، توکل برگرداندن توجه از آفریده به آفریدگار یکتا، و اعتقاد به تصرف حکیمانه او در امور جهان است. ویژگی‌های افراد متوکل را در اموری چون امیدواری به خداوند، معنا دادن به اتفاقات و رویدادها، داشتن تعهد نسبت به انجام وظیفه و... متبلور می‌بینیم.

گفت آری گر توکل رهبر است
این سبب هم سنت پیغمبر است

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اشتر ببند
گر توکل می‌کنی در کار کن
کشت کن، پس تکیه بر جبار کن (مولوی)

پی نوشت‌ها:

۱. رک: مفردات الفاظ القرآن (راغب اصفهانی)، ص ۸۸۲.
۲. رک: المیزان، ج ۱۱، ص ۲۲. تفسیر راهما، ج ۸، ص ۳۰۰.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۵.
۴. رک: تفسیر راهما، ج ۷، ص ۵۲۴. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۶۷.
۵. رک: المیزان، ج ۱۷، ص ۳۴۴.
۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۶.
۷. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۴۸.
۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.
۹. رک: تفسیر راهما، ج ۳، ص ۴۲ و ۱۴۶. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۸۷.
۱۰. رک: مرتضی مطهری، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص ۱۲۳.

نسبت به بندگان بیناست» (غافر، ۱۱)

«تفویض» امر به خدا یعنی کارها را به او واگذار کردن می‌باشد، نه بدین معناست که انسان دست از کار و کوشش بدارد، بلکه باید نهایت تلاش و جهد را به کار گیرد و هنگامی که در برابر موانع سخت قرار گرفت

وحشت نکنند. در نتیجه تفویض با «توکل» و «تسلیم» معنایی نزدیک به هم پیدا می‌کنند، با این تفاوت که در «تفویض» بنده همه امور خود را به خدا برمی‌گرداند و در «توکل» خدا را وکیل خود قرار داده تا هر تصرفی را خواست در امور او بکند، و در «تسلیم» بنده رام و مطیع محض خداست، هر امری که خدا بفرماید او به جا می‌آورد. پس «توکل»، «تفویض» و «تسلیم» سه مرحله و سه مرتبه از عبودیت خداوند است.^(۵)

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ایمان دارای چهار رکن است: ۱- راضی بودن به قضای الهی ۲- توکل کردن بر خدا ۳- تفویض و واگذار کردن کارها به خداوند ۴- تسلیم و مطیع فرامین الهی بودن»^(۶)

در روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده، اثری زیبا بر واگذار کردن امور به خدا به چشم می‌خورد، حضرت فرمود: «کسی که کار خود را به خدا واگذارد در راحت ابدی و زندگی جاودانه پربخت است، و کسی که خود را حقیقتاً به خدا واگذارد برتر از هر همتی (تصمیمی) غیر خدا است... و نیز هر صبح و شام از بلایای دنیوی و اخروی سالم می‌ماند»^(۷)

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: [خداوند] اسلام را برای گروندگانش رمز امنیت... و برای آن که توکل کند تکیه گاه، و هر کسی را که کار خود به او سپارد آسایش، و برای کسانی که صبر پیشه کنند، سپر قرار داد»^(۸)



ولی سبب اصلی را خدا دانسته، هر تأثیری از این اسباب را به خواست خدا می‌دانند و بهره بردن از اسباب را عین توحید می‌دانند. ضمن آنکه دست نیاز پیش هرکسی دراز نمی‌کنند و همیشه به عزت زندگی می‌کنند.

اکنون به چند آیه که توکل و اتکای به خدا در آن‌ها مطرح شده است بنگریم. خداوند می‌فرماید:

«آنان که بر برخی از مردم به ایشان گفتند: سپاهی از مردم برای جنگ با شما گرد آمده‌اند، پس از آنان بترسید. اما این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را پس است و نیکو حمایت‌گر و پشتیبانی است» (آل عمران، ۱۷۳)

انسان برای مبارزه با سختی‌ها که گاه گاه در زندگی او رخ می‌نماید و نیز رویارویی با دشمنان و توطئه‌گران، نیازمند تکیه گاهی محکم و استوار است که با تکیه بر او بر دشمنان و سختی‌ها بدون احساس خستگی پیروز شود. این تکیه گاه، خداوند است که باور به انحصار مالکیت خداوند بر غیب هستی و آگاهی از کردارهای انسان، به وجود آورنده نشاط و وادار کننده آدمی به